



در سفری که حدود یک ماه پس از جنگ تابستان ۲۰۰۵ لبنان به این کشور داشتن تصمیم گرفتن با نگاه آرام‌تری به جنگ و اثرات آن بنگرم چراکه هم کشور اندکی آرام‌تر شده بود و هم از هیجان درونی من که مدتی را فقط درگیر عکاسی از اتفاقات خبری جنگ بودم کاسته شده بود.پس شهر به شهر به منطقه جنوب لبنان سفر کردم و تصمیم گرفتم از نزدیک با زندگی زنانی که شوهران‌شان در جنگ به عنوان نیروهای حزب‌الله لبنان به شهادت رسیده بودند آشنا شوم و از آنها عکاسی کنم. به دلیل ایرانی بودن و جنسیت یکسان به سرعت رابطه صمیمانه‌ای بین من و این زن‌ها که اکنون بادر یاز زندگی را به تنهایی به دوش می‌کشیدند به وجود آمد. زینب یکی از این زن‌ها بود که خانه‌اش شهر زنان بود و همه افراد ذکور خانواده به جز پسر ۱ساله‌اش که او هم در فکر مبارزه بود شهید شده بودند. زینب زنی قوی و بسیار صبور بود و چند روز طول کشید تا بپذیرد من نیز همراه خانواده‌شان به منطقه که طبیعت فوق‌العاده زیبایی داشت رسیدیم. به نام ششپهین بود. زمان زیادی طول کشید تا به این نسیم خنکی که می‌وزید و سکوت و آرامش حاکم بر آن منطقه نمی‌گذاشت باور کنم که زمانی جنگی خونین در آن رخ داده است. زینب در مقابل چشمان فرزندانش گریه نمی‌کرد. در لحظه‌ای که حواس کسی به او نبود نور طلایی خورشید را دیدم که روی صورت او افتاده بود. حواس‌اش به من نبود . اصلاً حواس‌اش روی زمین نبود و من مویه و اندوه یک زن را در نهایت آرامش در چهره‌اش دیدم. البته بلافاصله بعد از گرفتن این عکس چهره‌اش عوض شد و شد همان زن مغرور و استوار که چون کوه ایستاده بود…



پیام برازجانی

از همان ابتدایی که دوربین عکاسی به زندگی بشر آمد و از همان اوایی که این ابزار به ایران وارد شد ظاهراً کاربردِ جز ثبت احوالات و وقایع پیش رو جامعه نداشته است. در عکاسی همین که یک عکس سندی شود برای دریافت اطلاعاتی از گذشته یا واقعهای در نزدیکی یا دور، اطلاق عکاسی مستند بر آرای آن به کار می‌برنداز روزهای اوج عکاسی مستند در ایران چند سالی است که می‌گذرد و این به دلیل سهیل‌الوصول‌تر شدن عکاسی به مدد دوربین‌های دیجیتال و نوعی گرایش خاص در عکاسی و علی‌الخصوص عکاسان دانشگاهی ایران به نام عکاسی هنری است. روزهای اوج عکاسی مستند در ایران به روزهای نزدیک ماجراهای انقلاب ایران و بعد از آن واقعه جنگ تمحیلی برمی‌گردد. پس از آن هر از چندگاهی باز هم به واسطه همان عکاسان فعال در جنگ و انقلاب مجالی برای طرح و نمایان شدن عکاسی مستند در اذهان به وجود می‌آمد. اما امروز دیگر عکاسی مستند آن شکوفایی گذشته را ندارد که بخشی از آن به خاطر تغییر طبع وضعیت عکاسی آکادمیک و بخشی دیگر از آن به خاطر سهیل‌الوصول‌تر شدن عکاسی و به اصطلاح کهنه شدن موضوعاتی است که قبلاً عکاسی مستند به واسطه آن خود را مطرح می‌کرد.مرحوم بهمن جلالی در مصاحبه‌ای درباره این تغییرات گفته بود: «یکی از تغییرات اساسی‌اش(عکاسی) این است که تعداد زیادی عکاس جوان به این دنیا وارد شده‌اند و وقتی کارهای این عکاسان جوان را ببینید، بیشتر گرایش پیدا می‌کنید به نوعی از عکاسی هنری چون شرایط برای عکاسی مستند و خبری سخت شده است. این گرایش مسیر تازه‌ای را در عکاسی ایران به وجود آورده است. به جرات می‌گویم عکاسی

سایت عکاسی: کتاب «بحران واقعیت؛ در باب عکاسی معاصر» نوشته اندی گراندبرگ با ترجمه مسعود ابراهیمی‌مقدم و مریم لدنی از سوی موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن) وابسته به فرهنگستان هنر منتشر شد. این کتاب دربرگیرنده ۳۵۸ صفحه مصور است که با قیمت ۷۵ هزار ریال (چهار نرم) و ۹۵ هزار ریال (جلد سخت) در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شود. کتاب بحران واقعیت شامل بیش از ۵۰ مقاله در شش فصل، از نوشته‌های اندی گراندبرگ، نویسنده، منتقد و نظریه‌پرداز حوزه عکاسی است. نوشته‌ها و دیدگاه‌های انتقادی اندی گراندبرگ، درک جامعی از قواعد و اصول پیچیده عکاسی در دنیای هنر و رسانه‌ها به دست می‌دهد. گراندبرگ درباره عکس‌ها صحبت می‌کند و با متحول ساختن شیوه نگارش با به واقعیت، مفاهیم سنتنی و قراردادی ارتباط میان هنر و زندگی را درگرسون می‌کند. اینکه عکس‌ها چگونه رسالت هنر را بازتعریف می‌کنند و به چه طرقی جایگزین واقعیت شده‌اند، سولاتی هستند که نوشته‌های انتقادی گراندبرگ همواره در جست‌وجوی پاسخی برای آن بوده است. اندی گراندبرگ از عکس به عنوان «مقاعدکننده‌ترین آثار هنری در انتهای سده بیستم» نام می‌برد. در این کتاب، او طبیعت عکاسی و شیوه نگرش ما به آن را زیر سوال می‌برد، برخی از عکاسان بزرگ قرن بیستم را ارزیابی می‌کند، در مورد گرایش‌های پست مدرن هنر در دهه ۸۰ بحث می‌کند و جریان‌های کنونی در زمینه ژورنالیسم و مستندنگاری را تشریح می‌کند.

همچنین در مورد رسانه‌های الکترونیک و آینده عکاسی در عصر الکترونیک نظرات روشننگری را ارائه می‌دهد. گراندبرگ، به زبانی ساده و در عین حال با خردمندی، مهم‌ترین مباحث عکاسی در ربع آخر قرن بیستم را موشکافی می‌کند. بحران واقعیت کتابی حیاتی برای کسانی است که در پی درک جایگاه عکاسی در جهان امروز هستند.
انومی روزنبولم نویسنده کتاب تاریخچه جامع عکاسی درباره این کتاب می‌گوید: «این مقالات روشنگرانه درباره جریان‌های معاصر عکاسی، درک جامعی را در مورد موضعی که رسانه در انتهای این قرن اتخاذ کرده، ارائه می‌کند.»

یک خاطره، یک عکس

من آنجا بودم



نگاهی کوتاه به مستندنگاری در عکاسی ایران

مرگ تدریجی یک رویا

ایران نه‌تنها در منطقه خودمان، بلکه بسیاری از گالری‌های معتبر دنیا از عکاسان ایرانی دعوت می‌کنند عکس‌هایشان را به نمایش بگذارند. به نظر من عکاسی ایرانی خیلی رشد کرده، ولی تاسمن از این است که اینجا از آن حمایتی نمی‌شود و عکاسی در کشورمان در بی‌خبری و سکوت به سر می‌برد.»شاره مرحوم جلالی از پیشگامان عکاسی مستند و اسنادی که شاگردان وی از مشهورترین عکاسان مستندنگار و خبری کشور در سال‌های اخیر

بوده‌اند به دو عامل عدم حمایت و سخت‌تر شدن شرایط برای عکاسی مستند است. ریشه این اتفاق که باعث افول عکاسی مستند شده در کجا است؟ در زمان جنگ و انقلاب شاید تعداد روزنامه‌ها و رسانه‌ها به تعداد امروزی آن نبود اما همه این رسانه‌ها برای تولید عکس خود را موظف می‌دیدند که از خدمات حداقل یک عکاس بهره‌مند باشند و به طور طبیعی تفاوت نگاه و درک این عکاسان باعث تنوع و کثرت در ثبت تصاویری شد که امروز برای همه ما جذاب و باعث دریافت اطلاعاتی گرانبها از دوران قدیم است.با توسعه رسانه‌ها در سال‌های اخیر و روند دیجیتال شدن آنها و با تأسیس خبرگزاری‌ها و سایت‌های قارچ‌گونه در عرصه رسانه‌ای، عکاسی مستند و خبری هم که بزرگ‌ترین کاربرد آن در رسانه‌هاست توسعه پیدا کرد اما توسعه‌ای که خود باعث به حاشیه رفتن این نوع عکاسی و به تبع آن عکاسان این رشته نیز شد.

درست است که در همه این سایت‌ها و خبرگزاری‌ها بخشی به نام عکس قرار دارد اما نگاه سطحی این رسانه‌ها به عکاسی و استفاده نامناسب آنها از نگاه عکاسان بعضاً توانمندشان و محدود کردن حیطه عکاسی مطبوعاتی به پوشش خبری وقایع

- ◀ **گالری‌ها**
- ◀ **آمنی‌های**

کنترل عمق میدان

عمق میدان وضوح، بنا بر تعریف فاصله‌ای است از جلوی دوربین تا جایی که اشیا و سوزده‌ها در آن فاصله واضح دیده می‌شوند. عمق میدان از رابطه میان فاصله کانونی لنز و اندازه دیافراگم و فاصله تا سوزده به دست می‌آید به این معنی که هرچه عمق میدان وضوح بیشتر باشد عناصر واضح در تصویر بیشتر و هرچه کمتر باشد عناصر واضح یا میدان وضوح کاهش می‌یابد. به عنوان مثال هنگام عکسبرداری پرتره، عمق میدان را جهت برجسته‌تر شدن سوزده و جدا کردن چهره از پس زمینه، کاهش می‌دهیم و برعکس هنگام عکسبرداری مناظر طبیعی عمق میدان وضوح را برای واضح بودن همه عناصر واقع در تصویر تا حداکثرممکن‌افزایش‌می‌دهیم.

در تعیین عمق میدان وضوح سه عامل موثر هستند؛ اندازه دیافراگم؛ هرچه دیافراگم بسته‌تر باشد یعنی عدد دیافراگم عددی بزرگ‌تر باشد عمق میدان وضوح بیشتر و هرچه دیافراگم بازتر باشد عمق میدان کمتر می‌شود. طبیعی است هرچه دیافراگم را بیشتر ببندیم مجبور خواهیم بود از سرعت پرده شاتر کمتری استفاده کنیم که این خود باعث محو شدن تصویر می‌شود. پس باید دیافراگم را تا جایی ببندیم که سرعت شاتر بسیار کم یا از عدد ۳۰ کمتر نشود. فاصله دوربین تا سوزده؛ با افزایش فاصله دوربین تا سوزده، عمق میدان افزایش یفتنوسالکاهش‌فصلعمق‌میدانکاهش‌می‌یابد

فاصله کانونی لنز؛ با افزایش فاصله کانونی (لنزهای تله) عمق میدان کاهش یافته و با کاهش فاصله کانونی (لنزهای واید) عمق میدان افزایش می‌یابد. پس در استفاده از لنزهای تله اگر نیاز به عمق میدان وضوح بیشتر داریم باید از دیافراگم‌های بسته استفاده کنیم ولی در لنزهای واید چون عمق میدان خود به خود بالاتر است می‌توانیم از دیافراگم‌های بازتر استفاده کنیم. هر کدام از عوامل فوق به تنهایی بر عمق میدان تأثیر می‌گذارند اما تأثیر آنها در ترکیب با یکدیگر بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال کمترین عمق میدان با لنزی روم شده بر روی سوزده‌ای نزدیک به دیافراگم باز حاصل می‌شود. به همین ترتیب می‌توانید بیشترین عمق میدان را با لنزی واید و دیافراگمی بسته از سوزده‌ای در فاصله‌ای دور به دست آورید.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۲۵ ■ یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۸۹



حقیقت صحنه‌ای باشد که افراد جامعه به هر دلیل امکان حضور در آن صحنه را ندارند. هر نوع کج‌نمایی در امر بازگو کردن حقایق از اعتبار کار او خواهد کاست و نهایتاً حرفه او را که یک قرن و نیم به عنوان مستندکننده راستین جهان شناخته شده است، از اعتبار ساقط خواهد کرد. کج‌نمایی در میان حقیقت معمولاً در دو مرحله رخ می‌دهد؛ دستکاری در مرحله عکاسی که با تغییر صحنه ممکن است اتفاق بیفتد و دستکاری در مرحله بعد از عکاسی که می‌شود محدودیت‌هایی برای آن ایجاد شود و این مردم‌نپسند که این محدودیت‌ها را به و جود می‌آورند

بلکه برعکس این اغلب دولت‌های جهان هستند که چرا که غالباً این نوع تصاویر در رابطه با معضلات به تصویر کشیدن این عکس‌ها، عکاسان را حمایت کنند چرا که این عکس‌ها باید تولید شوند اما می‌توانند نمایش داده نشوند.»اما اطلاع‌رسانی و نمایاندن وضع موجود تنها نقش عکاسی مستند نیست. عکاسی مستند در برابر بشر و تاریخ مسوولیت دیگری را نیز دارد. همان طوری که اکنون ما با دیدن عکس‌های زمان گذشته (تغییر عکس‌های زمان قاجار، وقایع انقلاب اسلامی، جنگ و سال‌های ابتدایی انقلاب) پی به موارد پنهانی از احوالات و روابط و اتفاقات گذشته می‌بریم. نیز وظیفه اکنون عکاسان مستند است تا وقایع و احوالات امروز بشر را برای آیندگان بی‌هیچ توسعه‌ای که خود باعث به حاشیه رفتن این نوع عکاسی و به تبع آن عکاسان این رشته نیز شد.

غیر از افول عکاسی مستند در کشور که خود باعث کاهش ثبت تصاویر مستند در کشور شده است امروزه عکاسی مستند با دو معضل دیگر یکی خل و تصرف در عکاسی و دیگری سانسور(خودسانسوری و ممیزی دولتی) نیز مواجه است. در هفته گذشته در همین صفحه به قلم اسماعیل عباسی مترجم و پژوهشگر عکاسی مطلبی درباره مستند است. اما این واقعیتی است که در شرایط کنونی فعالیت انجمن‌ها و اصناف هنری از خود فعالیت‌های هنری سخت‌تر شده است.

پیشینه‌ها

تنگه واشی

تنگه واشی یا تنگه ساواشی مکانی با جاذبه‌های گردشگری است که حدود ۱۵ کیلومتری شمال غربی شهرستان فیروزکوه در غرب تهران است. این مکان جایی است مناسب برای سفر کوتاه یک‌روزه و گرفتن چندین عکس جذاب برای کسانی که علاقه‌مند به عکاسی طبیعت هستند.تنگه واشی رقتن به تنگه واشی باید از تهران به سمت رودهن حرکت کنید، بعد از رودهن به یک دوراهی می‌رسید که مسیر راست به سمت فیروزکوه و چپ به سمت امل است. شما می‌توانید از هر دو مسیر به تنگه واشی بروید اما اگر مسیر سمت چپ را انتخاب کنید در بین راه دو سه روستا خواهید دید که می‌توانید در آنها چند عکس مستند از زندگی مردم منطقه به بگیرید و مجموعه کامل‌تری بسازید.برای این کار پس از انتخاب مسیر امل از پلور و ابعلی عبور خواهید کرد و به جایی می‌رسید که با تابلوی مسیر حرکت به سمت لاسم (سمت چپ) را به شما نشان داده است. این منطقه منطقه‌ای است کوهستانی با رودخانه و چشمه‌سارهای بسیار زیبا که هنگام عبور از این مسیر چند بار به این سو و آن سوی رودخانه خواهید رفت. باید دقت کنید چون در مسیر به سمت تنگه حتماً دو سه نمای بسیار زیبا از مناودن را نیز خواهید دید که مناظر و عناصر طبیعی موجود عکسی زیبا از دمانودن را هم به مجموعه خود اضافه کنید. در همین مسیر روستاها را هم خواهید دید. نکته‌ای که باید در عکاسی از مردم و زندگی آنها در این روستاها مدنظر داشته باشید یکی عدم استفاده از لنزهای خیلی باز است و دیگری اینکه پادتان باشد هیچ وقت بدون اجازه وارد حیطه خصوصی مردم نشوید.پس از عبور از این مسیر به جاده فیروزکوه یعنی همان جایی که اگر مسیر سمت راست را انتخاب می‌کردید می‌رسیدید. در مقابل شما مسیر تنگه واشی قرار دارد و در امتداد این مسیر به روستای قدیمی ساواشی و تنگه واشی خواهید رسید.در میان تنگه روخانه‌ای عبور می‌کند که برای عبور از آن باید به آب بزنید و از میان آن عبور کنید. اگر هنگام ظهر به اینجا برسید، می‌توانید از حجاری‌های روی دیواره‌های تنگه که یکی از سه کتیبه معروف دوره قاجار است عکاسی کنید. وجود آفتاب روی این حجاری‌ها باعث می‌شود برجستگی‌های آن بیشتر دیده شود. حتماً از لنزهای باز استفاده کنید تا نمای تنگه هم در تصویرتان ثبت شود.بعد از عبور از تنگه اول و گذر از دشتی زیبا که در خود سوزده‌های فراوانی برای عکاسی دارد، تنگه دوم قرار گرفته که حدود دو کیلومتر با تنگه اولی فاصله دارد. این تنگه هم مانند تنگه اول چشم‌نواز است و از دیواره‌های سنگی آن در نقاط مختلف چشمه‌های آب زلال و خنک به سمت پایین روان است. در انتهای این تنگه نیز بیاوهی ریزش آب آبشاری زیبا مسافران را به خود می‌خواند تا در زیر آبشار و در هوای گرم تابستانه تنی به آب بزنند.

عکاسی

از ساختمان فدرال ممنوع

روزنامه واشنگتن پست ویژه‌نامه‌ای هرروزه دارد به نام اکسپرس که معمولاً در